
جوامعی، جهان‌های ناپیدا

انتشارات سولار

تهران - ۱۳۹۸

سرشناسه: تاگور، رابیندرانات، ۱۸۶۱ - ۱۹۴۱ م.

Tagore, Rabindranath

عنوان و نام پدیدآور: نچواهای جهانهای ناپیدا.../گزیده اشعار رابیندرانات تاگور؛ ترجمه‌ی حسین بهشتی‌فر.

مشخصات نشر: تهران: نشر سولار، ۱۳۹۷.

مشخصات فیزیکی: ۱۱۲ ص.

روست: نشر سولار؛ ۱۲۱. مجموعه شعر جهان؛ ۱۴.

شابک: ۹۷۸-۶۲۰-۹۸۰۰۱

وضعیت: متن نویسی: الکترونیک

موضوع: شعر - قرن - م - ترجمه شده به فارسی

موضوع -- Translations into Persian -- Bengali poetry -- 20th century

موضوع: شعر مثنوی فارسی - قرن - م - ترجمه شده از بنگالی

موضوع -- Translations from Bengali -- Persian poems, Persian -- 20th century

شناسه افزوده: بهشتی‌فر، حسین، ۱۳۵۹ -

رده‌بندی کنگره: PK1۷۲۳/ن۳ ۱۳۹۷

رده‌بندی دیویی: ۸۹۱/۴۴۱۶

شماره کتابشناسی ملی: ۵۵۲۹۲۱۲



انتشارات سولار

انتشارات سولار

شعر جهان ۱۳، شماره نشر ۱۲۱

نجوای جهان‌های ناپیدا

از دفترهای «تحفه‌ی عاشق» و «گذار» و «گیتانجالی»

رابیندرانات تاگور

ترجمه‌ی حسین بهشتی‌فر

برایش ترجمه: انسیه عسکری

ویرایش: فاطمه اقبالی

مدیر می‌چاپ: رهننگ حسن‌زاده

مدیر هنر: غلام‌رضا گلپور

چاپ اول: ۱۳۸۸

شمارگان: ۲۰۰ نسخه

شابک: ۹۶۴-۶۳۹۸-۰۲-۲

قیمت: ۱۶۰۰۰ تومان

همه حقوق مادی و معنوی این اثر در اختیار نشر سولار بوده و نقل و چاپ تمام یا بخشی از آن منوط به اجازه رسمی و کتبی از ناشر می‌باشد و استفاده غیرقانونی از آن پیگرد قانونی دارد.

آدرس: ایرانشهر جنوبی، پلاک ۳۱، طبقه ۳، واحد یک. تلفن: ۷۷۵۵۸۴۳۸-۸۸۳۴۲۶۳۶

۰۹۱۲۷۲۰۳۷۵۶

soolarpub@gmail.com

پیشگفتار

مجموعه‌ی حاضر شامل اشعاری از سه دفتر شعر به نام‌های «تحفه‌ی عاشق» و «گذار» و «گیتانجالی» از «ایده‌انات تاگور»، نخستین شاعر آسیایی است که توانست جایزه‌ی نوبل را از آن خود کند. «تحفه‌ی عاشق»، شامل شصت قطعه شعر است و آن چنان که در پشت جلد نسخه‌ی انگلیسی آن ذکر شده، نخستین بار در سال ۱۹۱۸، به همراه «گذار» توسط خود شاعر چاپ و منتشر گردیده است که بیست قطعه از آن شعرها را این گزیده آمده است.

دفتر دوم یعنی «گذار»، دربرگیرنده هفتاد و هشت قطعه شعر است که سی شعر از آن را در این مجموعه می‌خوانید و از «گیتانجالی» با چند ترجمه مختلف به چاپ رسیده است، تنها یازده شعر از آن را در این دفتر آورده‌ایم. گفتنی است همه شعرها به دست خود شاعر به انگلیسی برگردانده شده‌اند و در واقع یکی از انگیزه‌های برگرداندن آن‌ها به فارسی نیز همین بوده است. چرا که گمان می‌رود وقتی شاعری، شعر خودش را به زبان دیگری برمی‌گرداند، آگاه است که بخشی از زیبایی شعرش در فرایند ترجمه از بین خواهد رفت، بنابراین تمام تلاش خود را به کار می‌بندد تا از امکانات و توان زبان دوم بیشترین بهره را بگیرد و شعر را طوری ترجمه کند که در زبان مقصد هم هنوز شعر باشد. این گونه است که هرگاه در خواندن

شعرا ردی از آرایه دیده‌ایم، کوشیده‌ایم تا آن مورد را در زبان فارسی نیز برجسته کنیم.

این، تقریباً تمام چیزی بود که درباره‌ی انتخاب شعرا می‌شود بیان کرد. به جز توضیحاتی مثل این که شعرا درون‌مایه‌ای عاشقانه-عارفانه دارند و از این دست اشارات، که خواننده‌ی فارسی‌زبان با هزار سال پیشینه‌ی ادبی در چنته، خود در خواندن شعرا کاشف آن خواهد بود؛ به هر حال تصویرهایی که تاگور از جنبه‌های گوناگون عشق و هستی و مرگ به دست می‌دهد، رخور تازه‌اند.

بسیار دیگر درباره‌ی شعرا وجود دارد و آن، پیرامون اصل شعرا به زبان بنگالی است. ترجمه‌ی حاضر همان‌طور که گفته شد از روی نسخه‌ی انگلیسی بوده و با آن که فیلمان یاد هندوستان کرده بود، هرگز شعرا را در آن وقت به بیان ننهاد، نه دیده بودیم و نه اگر می‌دیدیم قادر به خواندنشان بودیم. اما، آن‌چنان که می‌دانیم، شعر در بیشتر زبان‌های هندی، از جمله بنگالی، بر پایه‌ی هم‌حاست. یعنی مشابه همان اشعار هجایی که نمونه‌هایی از آن در ادب فارسی نیز یافت می‌شود. در مورد فرم و قالب شعرا هم، آن‌چنان که ناشر انگلیسی کتاب می‌گوید، برخی از شعرهایی که در «گذار» آمده‌اند، دارای فرم غزل‌واره‌اند (sonnet-like) که می‌تواند به تأثیر از اشعار انگلیسی و به‌ویژه آثار شکسپیر شده باشد. البته ادب فارسی نیز در شکل‌گیری فرم‌ها و قالب‌های شعری در زبان بنگالی به تأثیر نبوده‌است، تا آنجا که شاعران این زبان، قالب‌های مثنوی و رباعی را نیز از زبان و ادب فارسی وام گرفته و به کار برده‌اند. پس بی‌شوند نیست اگر در شعرا به آثاری برمی‌خوریم که حتی بعد از ترجمه هم شکلی شبیه رباعی دارند یا غزل‌واره‌اند.

«سبک»، «لحن شعر»، «زبان شعری»، «فضا» یا «اتمسفر» شعر، اصطلاحات آشنایی هستند برای اهل فن.

بی‌شک ساختار ذهن و زبان هر شاعری، متأثر از آموزه‌ها و اندوخته‌هایش هستند که در فرایند تجربی‌شدن (یا همان سرایش) شکل و ویژگی‌های خاص خودش را می‌یابد و در نهایت، خواننده بر اساس کشف تشابهات در بافت زبان او به درک اتمسفر و زبان شعری شاعر نایل می‌آید. کشف این زبان یا لحن، تنها با خواندن شعرهای گوناگون از دوره‌های مختلف سرایش یک شاعر امکان‌پذیر است. آن وقت است که مترجم، به گفته‌ی بیژن الهی؛ باید بسجد که حضور شاعرانه در سطح «ظاهر» است یا «باطن» و آن‌گاه تصمیم گیرد که به عنوان مترجم ناقل «عمل» کند یا «عامل». در رابطه با کار ما قرار بر این بوده که ترجمه به نقل باشد و متأسفانه به اصل متن پایبند بوده‌ایم! و گر نه شاعران، نیک در می‌یابند که در کجای شعرها، چه‌ها که نمی‌شد کرد! با این حال، هیچ توجیهی برای این که به درک زبان شعری تاگور دست نیافته باشیم وجود ندارد، حتی اگر ترجمه، برگردان دست دوم شعرها باشد.

برگردان شعرهای تاگور به فارسی دارای دینی است به شاعری که جشن هفتاد سالگی‌اش در تهران برپا شد. شهرت جهانی‌اش، خاضعانه از دربار ایران تقاضای فرستادن استادان به هندوستان را می‌کند تا به جوانان هند، زبان فارسی بیاموزد.